

## شبه قاره هند و آثار شیعیان

علی احمدی میرآقا

کتاب حاضر، کوششی در شناسایی آثار و تألیفات شیعه در کتابخانه‌های هند است. هدف این پژوهش معرفی آثار شیعه در این منطقه جغرافیایی و ارائه آن به پژوهشگران به منظور جلوگیری از تکرار در ترجمه و تألیف آثار مشابه و نیز مواد مطالعه و تحقیقی را در اختیار کسانی قرار می‌دهد که می‌خواهند در تحقیقات شیعی خود در حوزه هند به جنبه‌های فرهنگی و علمی آن بپردازند. نکته دیگر این است که کتاب‌شناسیها، به شرط آنکه کامل و علمی و صحیح صورت گیرد - در شناخت جامعه فرهنگی و تحولات فکری یک قوم و تاریخ فرهنگ نقش اساسی دارد.

در این مجموعه که طی پنج سال به سامان رسیده ۱۲۵۰۰ عنوان کتاب از تألیفات عالمان شیعه در زمینه‌های گوناگون فکری، تاریخی، اعتقادی و مذهبی شناسایی و معرفی شده است.

این مجموعه تلاش‌های فکری عالمان، ادیبان، پژوهشگران و هنرمندان شیعه امامیه در کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش را در حوزه نگارش کتاب نشان می‌دهد.

نویسنده در مقدماتی طی چهار فصل به اختصار پیشینه فرهنگ اسلام و شیعه در شبه قاره را تحلیل کرده و گزارشی از کتابخانه‌ها، آمار آثار شیعی و شیوه کار خود ارائه نموده است.

وضعیت شیعه در دوره‌های مختلف تاریخی نشان‌دهنده عمق و نفوذ مکتب امامیه در شبه قاره است و این امر حاصل تلاش عالمان روشن‌ضمیر و آگاهی بوده که با معرفی مبانی مذهب شیعه و سیره معصومان به دفاع از حقیقت آن پرداخته‌اند؛ اتفاقاً عمده منابع و آثار معرفی شده این کتاب در عقاید و تاریخ معصومان و رفع شبهات اعتقادی است. این موضوع به خاطر تنوع مذاهب موجود در شبه قاره و ارتباط عالمان شیعه و مواجه با افکار متضاد و مخالف مذهب بوده است. دیالکتیک فکری در هر حوزه علمی پیامدش خلاقیت است و کثرت و کمیت این آثار روشن‌کننده این حقیقت است که عالمان شیعه پاسدار راستین عقاید حق خود بوده‌اند. نویسنده البته مختصر و بسیار ناقص به وضعیت جامعه فرهنگی شیعه پرداخته است.

شیعه پژوهشی در شبهه قاره در حال حاضر به یک موضوع تحقیقاتی مهم تبدیل شده و آثار علمی و پژوهشی ارزنده بسیاری در دسترس است. نویسندگان به راحتی می‌توانست با استناد به این منابع پژوهشی فصلی عالمانه تدوین کند و در تحلیل جایگاه فعلی شیعه و عالمان آن در هند بحث نماید. به نظر می‌رسد در مقدمه دقت کافی نشده و بدون تحقیق صرفاً از باب اینکه مقدمه‌ای باید نگاشته شود تدوین شده و این بر نقص کتاب افزوده است. در بخش کتابخانه‌های شبه قاره نویسندگان کتابخانه‌هایی مانند نواب روهیله، کتابخانه ممتازالعلماء، کتابخانه ناصریه، مدرسه الواعظین، کتابخانه راجه محمودآباد و کتابخانه رضا را همراه تعداد نسخ خطی و چاپی آن معرفی نموده است. از کتاب‌شناسی‌های آثار شبه قاره ۳۹ منبع کتاب‌شناختی شناسایی کرده و بسیاری از منابع خود را از این آثار نقل کرده است.

تالیفات عالمان شیعه در شبهه قاره که در این اثر معرفی شده‌اند در هفده زبان گوناگون پراکنده است؛ اما عمده آنها به زبان فارسی و عربی و اردو است. وی در معرفی آثار اردو معمولاً عنوان کتابها را ترجمه کرده است. شیوه کتاب‌شناسی نویسنده این گونه است که در شروع کار نخست از روی *التریعه* و منابع کتابخانه‌های قم و مشهد، بسیاری از منابع را شناسایی کرده بعد به شهرهای مختلف هند و کتابخانه‌ها مراجعه کرده و به فیش‌برداری اطلاعات کتاب‌شناختی شامل عناوین، نویسندگان، زبان، مشخصات نشر، خصوصیات نسخه، تعداد صفحات و محتوای کتابها پرداخته و همه منابع را به صورت الفبایی تنظیم و در پایان فهرستی از عناوین، موضوعات، زبانها، اعلام، مکانها و وقایع برای جست‌وجوی راحت‌تر منابع تدارک دیده است. بخش فهرست موضوعی جنبه تحقیقی کار را افزایش داده، در این بخش سعی شده همه منابع در قالب ۳۵ موضوع کلی مثل علوم قرآنی، تفسیر، عقاید، تاریخ، رجال، انساب، ادبیات، فقه، ادعیه، اخلاق، منطق و فلسفه و دیگر موضوعات کلی علوم اسلامی اختصاص یابد.

در معرفی کتابها اطلاعات عمدتاً در حد نام اثر و نویسنده و موضوع و زبان خلاصه شده است. البته نویسنده سعی کرده مشخصات چاپی هر اثر را ثبت کند. مگر اینکه آثار فاقد این مشخصات بوده باشند، اما به نظر می‌رسد چون عمده منابع از روی دیگر فهرستواره جمع‌آوری شده و کمتر به صورت بنیادی و مراجعه مستقیم صورت گرفته به همین دلیل ۹۰٪ منابع بدون ذکر سال چاپ، محل نشر و نوبت نشر ضبط و ثبت شده است. در معرفی محتوا یا چکیده اثر در بیشتر موارد در یک سطر موضوع کلی کتاب یا عنوان غیر فارسی ترجمه شده است. این درست است که عناوین گویای موضوعات هستند و نیازی به توضیحات مفصل نیست، اما کار مؤلف در این بخش دو اشکال عمده دارد یکی اینکه ما از طریق موضوعات کلی و عناوین کاملاً از معرفی کوتاه یک تا دو سطر بی‌نیاز هستیم و دوم اینکه بسیاری از منابع که اصلاً گویا نیستند و از طریق موضوع و عنوان هم نمی‌توان به محتوای آنها پی برد، چکیده نشده‌اند و این دلیل دیگری بر غیربنیادی بودن کار مؤلف است، یعنی نگارش منابع صرفاً از روی آثاری صورت گرفته که احیاناً اطلاعات آنها هم از منابع دیگر و در نتیجه بسیاری از

مشخصات و مطالب موردنیاز نیامده است. چکیده‌های تفصیلی در حد ۵٪ کل منابع را تشکیل می‌دهد، که با اینکه مفید فایده است؛ اما تناسبی با بدنه کلی و عمده منابع که فاقد چکیده تفصیلی‌اند، ندارد. به هر حال، این اثر می‌تواند یک شروع برای شناسایی عالمانه آثار بسیار متنوع و نگارشهای شیعی در حوزه‌های علوم اسلامی باشد و قابل انتظار است از این نقطه شروع راههایی برای بهتر یافتن و تحقیق طرحی منسجم و کارآ و کامل در حد و اندازه نام عالمان شیعه شبه قاره تنظیم شود. گفتنی است که از مجموع ۱۲۵۰۰ عنوان این مجموعه تعداد ۱۱۹۶۰ عنوان چاپی و بقیه به صورت دست‌نوشته هستند. این کتاب بی‌اشکال نیست از جمله می‌توان به عدم یکدستی عبارات توضیحی و نابسامانی در جمله‌بندی و تدوین مقدمات و چکیده‌ها، کمبود اطلاعات، استاندارد نبودن فهرست‌نویسی، بنیادی نبودن و ارجاع به متون دسته چندم در شناسایی منابع اشاره کرد. اما نمی‌توان انکار کرد کمیّت قابل توجه این پژوهش و گستردگی موضوعی آن، سهل بودن این‌گونه کارها را از ذهن آشنایان به مشقّتها و مرارتهای فهرست‌نویسی و کتاب‌شناسی دور می‌کند.





پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علومو انسانی